

# تقصیبات محاکم

رای دیوان عالی تمیز فرانسه

راجع بتجدید محاکمه محکوم بجرم خیانت بعنوان

جرم تزویر مربوط بهمان دعوی

بموجب این حکم : محکومیت متهم بجرم خیانت در امانت مانع تعقیب همان متهم در دنباله آن اتهام بعنوان تزویر که بقصد پنهان کردن عمل خود بوده نیست مشروط به آنکه عذر اتهام جدید با شرایط اساسی و اوضاع و احوال اتهام سابق یکی نباشد

دیوان عالی تمیز فرانسه در حکم شماره ۱۴۳ مورخ دسامبر ۱۹۳۵ در این موضوع چنین رأی داده است :

( راجع باستدعای تمیز سه نفر از حکم محکمه استیضاف دایر بقابل تعقیب بودن مستدعیان در محکمه جنائی با اتهام تزویر و استفاده و کلاه برداری خلاصه اعتراض آنکه « علاوه بر آنکه قرار مزبور مبتنی بر اساس قزبی نبوده برخلاف ماده ... قانون اصول محاکمات جنائی و ماده ۴۰۰ قانون مجازات و ماده ۴۰۰ قانون مدنی رفتار کرده است زیرا بی آنکه باظہارات یکی از متهمین دایر بتخلّف از مواد مزبور جرایمی داده باشد او را برای تعقیب بعنوان اتهام بجرم تزویر و استفاده و کلاه برداری محکمه جنائی فرستاده است. در صورتیکه اتهامات مزبور موضوع رسیدگی محکمه جنحه واقع شده و بطور کلی اسناد مورد دعوی تزویر عبارت بودند از اوراق خرید یا فروش یا تمهید که چون دارای هیچیک از عنوانهای مصرح در قانون نبوده مشمول مواردیکه در قانون مجازات پیش بینی شده نیست و متهم مزبور بموجب حکم قطعی محکمه بعنوان آنکه یول و اسناد و اسباب و اوراق بها دار که به عنوان امانت یا ودیعه برای عمل معین بکار برده شده بود به ضرر مالک آنها را تصرف و بکار برده محکوم بحبس شده است و مستنطق در این قضیه که بر حسب شکایت مدعی

خصوصی و یار که اقدام و رسیدگی کرده بعنوان آنکه اتهام مورد تعقیب با اتهام دیگری که محکمه جنحه به عنوان خیانت در امانت رسیدگی و حکم داده در هم شده و تفکیک بردار نیست قرار منع تعقیب صادر کرده ولی بر اثر مخالفت یار که باقرار مزبور محکمه استیضاف قرار را فسخ و پس از رسیدگی و تحقیق قرار رسیدگی امر را در محکمه جنائی صادر کرده که آن سه نفر را بعنوان مجرم اصلی و معاون و پنهان کننده جرم تعقیب کنند در صورتی که این دعوی همان دعوائی است که سابقاً محکمه رسیدگی کرده و حکم داده است «

نظر بآنکه مواد مورد استناد معترض با این عمل جزائی که در تعقیب ثانوی توصیف و تعریف شده منطبق نیست زیرا در عین حال مسلم است که عناصر توصیفی این عمل از لحاظ کیفیت اساس جرم از چند جهت با عمل جزائی سابق فرق دارد و از طرفی اگر بطور کلی تزویر و ربودن مال هر يك دارای عنوان ممتاز و مشخص هستند لیکن این امتیاز و تشخیص در وضعیت دعوی ها ضمن رسیدگی محکمه بوسیله بیانات و اطلاعات در حکم معلوم و واضح میگردد و در این مورد محکمه عمل تزویر را در حقیقت همان پنهان کردن جرم ربودن مال و موفقیت بحصول اطمینان از اینکه اوراق بها دار بمنظور فریب دادن مشتریان با تک بر خلاف واقع و حقیقت بکار برند دانسته است و تشخیص داده که اوراق دتر را نیز بطور تقلب آمیزی با صورت نمایش ظاهری که برخلاف واقع برای فریب دادن مشتریانها درست کرده بوده اند مطابق نموده اند و در این صورت قطع نظر از موضوع ربودن مال در این دعوی نه تنها جای رسیدگی با اتهام کلاه برداری که غیر از ربودن مال است باقی است

بلکه رسیدگی بموضوع اتهام به تزویر و استفاده و خیانت در امانت که سابقاً مورد رسیدگی واقع شده ولی بهیچوجه عناصر لازم برای ارتکاب عمل خلاف حقیقت بطور تقلباً تشکیل نمیداده موقعیت دارد.

بنا بر این حکم محکمه بر خلاف مقررات قانونی نبوده و اعتراضات مستدعیان تمیز وارد نیست .  
ترجمه از جزوه احکام شماره ۱۰ دیوان تمیز فرانسه - سال ۱۹۳۵

### تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در موردیکه محکمه طبق عرضحال رای بقیمت عین داده در صورتیکه تعهد راجع بعین بوده است

بموجب ماده ۲۲۰ قانون مدنی - عقود نه تنها متعاملین را به اجرای آن چربکه در آن تصریح شده ملزم مینماید بلکه متعاملین به کلیه تالیجی هم که بموجب عرف و عادت یا بموجب قانون از عقد حاصل میشود ملزم می باشند.

کسی بمدرکیت قباله نکاحیه مقداری طلا و نقره که بر ذمه شوهر قرار داده شده بوده مقوماً از محکمه بدایت مطالبه کرده - محکمه زن را محکوم به بیحقی کرد. محکوم علیه استیناف داده محکمه استیناف پس از رسیدگی شوهر را محکوم به پرداخت مدعی به مینماید - محکوم علیه تمیز خواسته دیوان عالی تمیز شعبه (۴) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۷۱۳ ر ۱۴۲۳۴ مورخ ۱۶۷۲۲ در حکم

چنین رای داده است :

( نظر باینکه در سند مدرکیه قسمتی از موضوع تعهد عبارت از نقره و طلاست و بموجب ماده ۲۲۰ قانون مدنی متعاملین باجرا آن چیزی که در عقود تصریح شده است ملتزم میباشند و تبدیل تعهدوقتی حاصل میشود که متعهد و متعهدله به تبدیل تعهد اصلی به تعهد جدید راضی باشند و عدم تکذیب مدعی علیه بقیمت مدعی به مذکور در عرض حال که بر طبق ماده ۲۰ اصول محاکمات حقوقی فقط در تعیین صلاحیت محکمه و مخارج محاکمه مؤثر است دلیل رضایت بر تبدیل تعهد محسوب نیست بنا بر این استدلال محکمه مخدوش و حکم ممیزانه در این قسمت بموجب ماده ۳۴۰ قانون مزبور باتفاق آراء منقوض است ۰۰۰۰ )

### تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در موردیکه محکمه استیناف سند مسترد شده در مرحله بدوی را بعنوان تکذیب و استرداد نپذیرد

طبق تبصره ماده ۳۰۰ اصول آزمایش - ابراز دلائل جدید دعوی جدید محسوب نیست .  
حکمی باسناد ورقه مصالحه نامه از محکمه بدایت علیه مدعی علیه بیه خلع بعد از مقداری ملک صادر میشود - محکوم علیه استیناف داده و محکمه استیناف یکی از ادله مستأنف را که تمسک باجاره نامه بوده بعنوان آنکه در مرحله بدوی مورد تکذیب مستأنف علیه واقع و مستأنف آنرا مسترد داشته نپذیرفته و رد کرده است و در نتیجه رأی بدوی را تأیید کرده است

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته شعبه ۳ - دیوان عالی تمیز پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۵۹۱ ر ۱۳۴۹۱ مورخ ۱۶۷۲۲ ر ۱۶۷۲۲ چنین رای داده است :

( بطوریکه حکم مورد شکایت مشعر است محکمه استیناف باسناد اینکه اوراق قبول اجاره مورد استناد مستدعی تمیز در مرحله بدوی مورد تکذیب و بالاخره از عداد دلائل خارج شده است تجدید تمسک باوراق مزبور را در مرحله استینافی جایز ندانسته و از رسیدگی بدلیل

مزبور صرف نظر کرده است و حال آنکه چون طبق تبصره ماده ۳۰۰ قانون آزمایش ابراهیم سند جدید در مرحله استینافی جایز است استناد بسندیکه در مرحله بدوی ارائه شده باشد بطریق اولی جایز خواهد بود و بر تقدیر اینکه در مرحله

بدوی قبل از تکمیل رسیدگی و صدور قرار مقتضی سند از عداد دلائل خارج شده باشد تجدید تمسک بآن محظور قانونی نخواهد داشت بنا برآن رسیدگی محکمه از این جهت ناقص و حکم مورد استدعای تمیز منقوض است

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد یک محکمه استیناف بدعوی اعساری رسیدگی ماهوی کرده که در مرحله بدوی دعوی بعنوان تاجر بودن مدعی رد شده بود

کسی بدعی به اعسار از پرداخت محکوم به بمحکمه بدایت عرض حال داده - و محکمه پس از استماع شهادت نمود از جهت اینکه مدعی اعسار تاجر است و از تاجر عرض حال اعسار پذیرفته نیست قرار در عرض حال اعسار او را داده است .

حاصل میگردد که مستأنف دارای تمکن و ثروت نبوده و تاجر نمیشد و بموجب توضیحی هم که از وکیل مستأنف علیه خواسته اند محکومیت مستأنف در نتیجه معامله تجارتنسی نبوده بقاء علیه حکم مستأنف غنه مخدوش بنظر رسیده و فسخ میگردد و نظر بجهات سابق الذکر حکم باعسار فعلی مستأنف صادر میشود .

محکوم علیه استیناف خواسته - محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رای داده: ( اعتراض مستأنف بر حکم مستأنف غنه آنست که من تاجر نیستم سی سال قبل از این تاجر بودم پس از آن در کار تجارت نبوده ام شهود هم در محکمه بدایت شهادت داده و استشهاد هم ضمیمه عرض حال شده است اعتراض مزبور بر حکم مستأنف غنه وارد میباشد زیرا بر طبق ورقه استشهادیه که مستأنف ضمیمه عرض حال بدوی خود نموده و همچنین شهادت شهود که در محکمه بدوی حاضر شده و شهادت داده اند که مستأنف در سابق تاجر بود و بعد تصادفات و حوادثی در تجارت و زراعت برای او پیش آمده که منتهی بقصر و بی چیزی او شده و مایه خاص او جمع شهادت شهود مزبور چنین استنباط شده و قذاعت وجدانی

محکوم علیه تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۳) در حکم شماره ۱۴۲۱۳ ر ۱۷۲۶ مورخ ۲۷ ر ۱۶۷۷ پس از رسیدگی چنین رأی داده است: ( طوریکه رأی محکمه بدوی ظاهراً اشعار دار ددر ماهیت قضیه اظهار نظر شده و عرض حال مدعی را فقط از حیث اینکه مشار الیه را تاجر تشخیص نموده رد کرده است و بنا بر این ورود محکمه استیناف در رسیدگی بماهیت امر و حکم به اعسار مدعی که در مرحله بدوی مورد رای واقع نشده بوده مخالف قانون و اصول می باشد و طبق ماده ۳۴۰ آزمایش بانفاق آراء نقض میشود . )

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در موردیکه محکمه استیناف بااستناد آنکه دفاتر طرف در دسترس مستأنف بوده و نتوانسته استفاده کند استناد بدفاتر طرف را نپذیرفته است

بموجب ماده ۷۹ و ۱۸۷ قانون آزمایش هرگاه یکی از طرفین به دفاتر و اسناد تجارتنسی طرف دیگر استناد کنند باید دفاتر مزبور ابراز شود - دفاتر تجارتنسی در مورد دعوی تجری بر تاجری در صورتیکه دعوی از محاسبات و

مطالبات تجارتنسی حاصل شده باشد دلیل حساب میشود. کسی بااستناد شرکت نامه یا بلغی بعنوان سهم خود از شرکت مطالبه کرده و در مرحله بدوی محکوم له شده محکوم علیه از حکم مزبور استیناف داده محکمه استیناف پس از رسیدگی

حکم بدایت را تأیید و بعد از اعتراض بر حکم غیابی چنین رای داده: ( قسمتی از اعتراضات معترض تکرار همان اعتراضاتی است که در ضمن عرضحال استینافی اشعار داشته و چون مؤثر نبوده قابل توجه واقع نگردیده و در حکم معترض عنه نیز موجهاً رد شده است قسمت دیگر هم که برنویس ورقه صورت جلسه را حجه بدعوی تصرف عدوانی و رونویس اوراق استنطاقیه برای احراز مداخله مستقیمه معترض علیه در کار ثبت است. دمووده در ضمن لایحه مورخه ۰۸ آذر ۱۳۱۵ تقسیم داشته هیچیک دلالت بر مقصود معترض ندارد و معترض علیه مطالبه عوائد و حق الشرک را هم ننموده تا مستلزم رسیدگی بدفتر باشد بلکه همان پولی را که برای سرمایه شرکت داده مطالبه نموده است و چون دادن وجه مزبور از از طرف معترض علیه بمعترض ثابت است باید رد نماید علیهذا حکم معترض عنه باعتبار خود باقی است و نباید میشود. )

محکوم علیه تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه -  
 (۴) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۶۲۹ و ۱۴۱۲۲ مورخ ۱۸ و ۱۶ و ۱۶ چنین رای اده است:  
 ( نظر باینکه سند مدرکیه دلالت دارد به اینکه يك قسمت از سرمایه شرکت عبارت از مطالبات بوده و مستدعی تمیز برای روشن شدن امر رسیدگی محاسبات را لازم دیده و بهمین جهت استناد بدفتر شرکت نموده محکمه استیناف با استدلال اینکه دفتر در موقع طرح قضیه در دائره استنطاق در دسترس مدعی علیه بوده و موارد استفاده خود را نتوانسته معین کند تقاضای مشار الیه را مورد توجه قرار نداده در صورتی که عدم توانائی مشار الیه در آنموقع مانع استفاده او در این مرحله نخواهند بود بنا بر این رأی محکمه مخالف ماده ۷۹ و ۱۸۷ قانون اصول مجاکات حقوقی صادر شده و حکم ممیز عنه بموجب ماده ۳۴۰ قانون مزبور با اتفاق آراء منقوض است. )